

سبک زندگی قرآن

رضا اکبری*

چکیده

با تحولاتی که به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیست به‌وجود آمده انواع بسیاری از سبک‌های زندگی سر برآورده و این مفهوم را به موضوعی مهم تبدیل نموده است. سبک زندگی قرآنی که مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت (ع) است در این بین با ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند به‌عنوان سبکی که سعادت انسان را تأمین نماید سزاوار طرح و عمل است. سبک زندگی قرآنی از آنجایی که سبکی آگاهانه است ریشه در معنایی دارد که انسان مؤمن از زندگی خویش و البته تأمل در قرآن و روایات به‌دقت می‌آورد که نهایتاً به تأمل در خلقت و آفرینش خداوند می‌شود و این همان عنصر عبودیت است. سبک زندگی قرآنی علاوه بر مسئله عبودیت مبتنی بر شناخت وی از جهان هستی، واقعیت و تعریف انسان است. این روش زندگی مؤلفه‌هایی دارد که متفاوت از دیگر سبک‌های زندگی است و بر روی ارتباط چهارگانه‌ی؛ انسان با خودش، انسان با انسان‌های دیگر، انسان با طبیعت و انسان با خداوند چیده شده است.

کلیدواژگان: سبک زندگی، قرآن، سنت، سبک زندگی قرآنی، معنای زندگی، ارتباط، عبودیت، هستی‌شناسی و انسان.

* دانش‌پژوه دکتری / جامعه‌المصطفی العالمیه (ص) / مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.

مقدمه

پیش از پیدایش مدرنیته، زمانی که دین نقش فرانهادی در زیست انسان‌ها داشت؛ دین علاوه بر آن که بر بسیاری از پرسش‌های جهان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی پاسخ می‌داد؛ یعنی بر ساخت علم اثرگذار بود؛ مسیر زندگی انسان را نیز مشخص می‌نمود و شیوه و سبک زندگی او را نیز تعیین می‌کرد. عصر مدرن با مشخصات و مختصاتی همچون انسان‌گرایی، عرفی‌شدن، تکثرگرایی و دیگر اصول آن؛ نه تنها حوزه معرفت از دست دین خارج گردید بلکه نقش دین در زندگی عملی و روزمره جوامع و گروه‌های انسانی نیز دچار چالشی عمده گردید و در کنار سبک زندگی دینی بدیل‌های دیگری مطرح و بسا زندگی دینی را به حاشیه راند. طلوعه چنین رخدادهایی غرب مدرن بود که در قرن‌های شانزده و هفده این وقایع را از سر می‌گذراند و باگذشت زمان و هرچه نزدیک‌تر شدن به زمان کنونی، شاهد افزوده شدن بر شدت آن هستیم.

جوامع اسلامی بعد از چندین سده ظهور درخشان در میدان علم و فرهنگ، قرن‌هاست که به علل مختلفی از جمله فاصله گرفتن از توجه به قرآن و سنت پیامبر و اهل‌بیت(ع)، دچار زوال و پسرفت علمی و فرهنگی شده است. این زوال و رکود جهان اسلام که با طی کردن میدان‌های علم توسط غرب است منجر به از دست رفتن استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... سبک زندگی شده است. اینک در رابطه موضوع بحث‌مان در تقاطع مهمی از لحظه تاریخی هستیم؛ بنابراین بازخوانی سبک زندگی با توجه به متون دینی لازم به نظر می‌رسد. برای توضیح ضرورت بحث به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱. مدرنیته که زندگی غیردینی و انسان‌محور و عقلانی را یکی از مواهب عصر جدید برای انسان و جوامع بشری می‌دانست شمولیت (جهانی بودن) و عقلانیتش شدیداً توسط منظر‌گرایان در معرض پرسش و چون و چرا واقع گردید.

۲. در معرض شک قرار گرفتن ایده‌های مدرن درباره زندگی فضا را برای گفت‌وگو، حضور و ظهور دیگر سبک‌ها و شیوه‌های زندگی باز کرده است که همین امر به ما امکان می‌دهد تا سبک زندگی قرآنی را مدل‌سازی، بیان و به کار ببندیم. در صورتی که قبل از وقوع این معارضه‌جویی چنین امکانی میسر نبود.

۳. سبک زندگی مدرن (با همه تنوعی که در درون خودش دارد) که به کمک مفاهیمی چون، آزادی، علم‌گرایی، و انسان‌گرایی سعی در امحای سبک زندگی دینی داشت لااقل قائل به معیارهایی مثل عقلانیت، واقعیت و حقیقت هست که می‌توان با استفاده از همین مفاهیم با آن‌ها به گفت‌وگو پرداخت.

۴. جنبش بیداری اسلامی در جوامع مختلف شکل گرفته است و توده‌های مسلمان در اثر آگاهی‌هایی که توسط وقوع انقلاب اسلامی در کشورهای مختلف صورت گرفت به اسلام به عنوان نیرویی که می‌تواند تمدن اسلامی را دوباره احیا سازد و موجب تغییراتی اساسی در وجوه مختلف زندگی انسان مسلمان شود توجه کرده‌اند.

۵. توجه دوباره به اسلام به تنهایی منجر به شکل‌گیری سبک زندگی دینی نمی‌شود؛ زیرا توده‌های مردم شیوه دینی زیستن‌شان را مستقیماً از قرآن و سنت دریافت نمی‌کنند یا حتی علمای دینی درجه یک، تنها مرجع و منبع‌شان در این دریافت نیست؛ بلکه گاه بر عناصری نامعلوم و فاقد توانایی علوم اسلامی و کسانی که مدت کوتاهی طلبه مدارس دینی بوده‌اند اعتماد می‌کنند که می‌توان ظهور طالبان، القاعده و داعش را ناشی از دریافت این سبک زندگی ناهموار دانست.

پس با توجه به چنین موقعیت است که تأمل در قرآن و سنت و ارائه تئوری بر اساس وحی (عقل و نقل معتبر) که زمانه و زمینه کنونی را هم لحاظ کرده باشد ضرورت دارد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که سبک زندگی اسلامی چگونه چیزی است؟ سبک زندگی اسلامی چگونه از دیگر سبک‌های زندگی متمایز می‌شود؟

مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی؛ یعنی عملکرد و رفتار انسان به صورت فردی و جمعی و چه در حوزه عمومی مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ و چه حوزه خصوص. مفهوم سبک زندگی دینی یعنی شیوه زیستنی که فرد در تمام افعال و رفتار خویش قرآن را محور قرار داده و تابع سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) باشد. با استناد به این سخن پیامبر (ص) که فرمود: خدای دانا و آگاه به من خبر داد که این دو قرآن و عترت هرگز از من جدا نمی‌شوند، تا به حوض کوثر برسند. (ابن حنبل، احمد بن محمد، ج ۵، بی تا، ص ۱۸۵-۱۹۰) سبک زندگی دینی مبتنی بر عقل است؛ زیرا عقل و نقل (قرآن و سنت پیامبر و اهل بیتش هر دو حجت شرعی‌اند و محصول هر یک در صورت اجتماع شرایط، حجیت قابل اعتماد و بلکه ضرورت اعتناست. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۷-۳۵) اکنون بایست به مختصات و مؤلفه‌های سبک زندگی قرآنی نظر کنیم. اما پیش از توجه در آن بایسته است به مفهومی که هم‌مرز با سبک زندگی است نظری بیندازیم.

معنای زندگی

سبک زندگی قرآنی چه نسبتی با مفهوم معنا و هدف زندگی دارد؟ معنای زندگی به نوعی می‌تواند خواستگاه سبک زندگی باشد؛ یعنی اگرچه فردی حتی اگر به معنایی برای زندگی معتقد نباشد. اما علی‌رغم آن سبکی و شیوه‌ای در زندگی خواهد داشت و داشتن معنای زندگی هم بر چگونگی سبک زندگی اثرگذار است و هم نشان‌دهنده آن است که فرد سبک زندگی‌اش آگاهانه و مبتنی بر انتخاب است. معنای زندگی نزد مؤمن که اعتقاداتش بر اساس قرآن و سنت شکل گرفته است مبتنی بر مسئله عبودیت است؛ زیرا تأمل و درنگ در خصوص معنای زندگی منجر به تأمل در مسئله هدف خلقت و هدف خداوند از آفرینش انسان می‌گردد که بر اساس نص قرآنی خداوند می‌فرماید: ما جن و انس را نیافریدیم مگر آن که خدا را عبادت کنند؛ (ذاریات: ۶۵) بگو نماز، عبادت‌ها، زندگی و مرگ همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (انعام: ۱۶۵)

هستی‌شناسی اسلامی، مبنای سبک زندگی قرآنی

در هستی‌شناسی تصویری هر چند به اجمال از جهان هستی ترسیم می‌شود. جهان هستی هم شامل جهان طبیعت و آن بخش از جهان که بر ساخته بشر نیست می‌شود و هم شامل جهان اجتماعی که انسان‌ها و روابط اجتماعی و مصنوعات بشری را در بر می‌گیرد. جهان هستی‌ای که دیدگاه سکولار از آن سخن می‌گویند؛ شامل محیط طبیعی‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم، تمام جهان مادی‌ای که شناخت ما انسان‌ها به آن دست یازیده است یا ممکن است علم تجربی از آن پرده بردارد. (اکبری، رضا، ۱۳۹۲ ص ۱۶-۱۷)

جهان بینی و نوع نگاه انسان به موجودات و کم و کیف آن و روابط بین آن‌ها بر روی زندگی عملی انسان تأثیری انکارنشدنی دارد. همان‌گونه که زندگی عملی انسان بر روی جهان بینی و هستی‌شناسی وی و کیفیت معرفتش از عالم هستی خواهد داشت به طوری که "همه دین‌ها و آیین‌ها و مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی مبتنی بر نوعی جهان بینی بوده و به دنبال آن، هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و باید و نبایدهایی که انشاء می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان بینی-ای است که عرضه داشته است. (اکبری، رضا، ۱۳۹۲ ص ۱۶-۱۷) هستی‌شناسی انسان مشتمل بر تعاریف و شناخت-هایی هر چند اجمالی از مفاهیمی است که در ذیل به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

شناخت واقعیت در زندگی

انسان چه چیزهایی را واقعیت و چه چیزهای دیگری را غیرواقعی و از سنخ اوهام، خیال و ... می‌پندارد؟ یا اینکه آیا واقعیت فقط شامل پدیده‌های حسی و مادی است یا بلکه موجودات و پدیده‌هایی هستند که به علت تجردشان با ابزار حسی نمی‌توان از آن‌ها شناختی به دست آورد؟ در هستی‌شناسی مادی و تجربه‌گرا سخن گفتن از عالم غیب که در هستی‌شناسی اسلامی در کنار عالم شهادت یا عالم حس مطرح می‌شود، اساساً بی‌معناست؛ زیرا معتقدند فقط گزاره‌ای دارای معناست که آزمون‌پذیر به روش تجربه باشد و مفهوم این جمله آن است که "اگر هیچ روشی متصور نباشد که به وسیله آن بتوان جمله‌ای را به تحقیق رساند، آن جمله بی‌معناست." (گادفری اسمیت، پیتر، ۱۳۹۲ ص ۱۴) اما واقعیت در هستی‌شناسی اسلامی بسی فراخ‌تر است و هم علم مادی و محسوس را در برمی‌گیرد و هم عالم غیب. خدا در قرآن اذعان به علم غیب را یکی از ویژگی‌های مؤمن برمی‌شمارد: "آنان که به غیب ایمان می‌آورند." (بقره: ۳) بنابراین اذعان به عالم غیب یکی از تفاوت‌های اصلی در مبانی سبک زندگی قرآنی با دیگر سبک‌های زندگی است.

شناخت ماهیت انسان در زندگی

شناخت ماهیت انسان در مبنای هستی‌شناسی سبک زندگی اهمیت دارد. در مهم بودن انسان‌شناسی در علوم انسانی این چنین تعبیر است که: "آنچه بین تمامی علوم انسانی مشترک است و ستون فقرات این علوم را تشکیل می‌دهد، انسان و ابعاد وجودی انسان است. هر کدام از این علوم به نحوی درباره یکی از ابعاد یا عوارض انسان بحث و گفت‌وگو می‌کند، زیرا در همه علوم انسانی پیوسته این سؤال مطرح می‌شود که خود «انسان» چیست." (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، ص ۱۵)

در دیدگاه غیردینی تنها به بخشی از وجود انسانی توجه شده است و رویکردی تک‌ساحتی به انسان مبذول داشته‌اند. آن‌ها هیچ توجهی به بخش‌هایی از ماهیت انسان نکرده‌اند و زوایایی از وجود او را به کلی در تاریکی فروبرده‌اند؛ بنابراین برای داشتن تصویر روشن و متمایزی از وجود انسان بهتر است آن گوهر اساسی که اگر انسان آن را نداشته باشد از انسانیت فاصله می‌گیرد بشکافیم. با کندوکاو در آیات قرآنی و نیز احادیث می‌توان به انسان به‌عنوان موجودی دارای ویژگی‌های زیر برخورد.

۱. فطرت انسانی: انسان موجودی چندساعتی است که یکی از آن ساحت‌ها بعد فطری وی است، در حقیقت باینکه در قرآن از بسیاری از ویژگی‌های وی چون رنگ، قوم، نژاد، زبان، سلايق و ... سخن رفته است اما با این همه

آنچه حائز اهمیت است و خصیصه‌ای مشترک و بنیادین در وجود او است فطرت است. "همه آن‌ها از یک نوع آفرینش یا جوهر مشترک و تغییرناپذیر برخوردارند که آن را فطرت انسان می‌نامیم." (بستان‌نجفی)، حسین ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۹)

فطرت برای معانی زیادی به کار رفته است و در قرآن برای معانی غریزه و طبیعت هم استفاده شده است. این واژه در اسلام به "ابعاد ثابت وجود انسان اشاره دارد که مصادیق مختلفی همچون نیازهای اولیه (نیاز به غذا و نیاز جنسی)، قوای نفسانی شامل حس، خیال و عقل (قوای ادراکی) اراده، عواطف و احساسات، ادراکات ذهنی، مانند اصول اخلاقی و قواعد ریاضی و خواسته‌هایی مانند سعادت طلبی، کمال‌خواهی، زیبایی دوستی و خداجویی را در بر می‌گیرد." (رجبی، محمود، ۱۳۷۸، ص ۶۵-۶۶)

۲. عقلانی بودن انسان به این معنا که اول، او ظرفیتی دارد که می‌تواند اندیشه کند و در عاقبت و چگونگی امور بیندیشد. دوم، اینکه عقلانی بودن وی سطوح متفاوتی دارد از عقل متعارف روزمره تا عقل مفهومی و استدلالی که هر کدام کاربردهای مخصوصی به خود دارد. سوم، اینکه عقلانیت وی امری ذومراتب و مشکک است و به یک اندازه و میزان نیست. بعد عقلانی انسان به قدری اهمیت دارد که از آن به عنوان حجت درونی یاد شده است؛ امام کاظم (ع) می‌فرماید: "خدا دو حجت دارد، دو پیغمبر دارد؛ یک پیغمبر درونی که عقل انسان است و یک پیغمبر بیرونی که همان پیغمبرانی هستند که انسانند و مردم را دعوت کرده‌اند." (مطهری، مرتضی، بی‌تا، ص ۱۵۴)

۳. انسان و جنبه شهوانی. جنبه دیگر انسان که اثر مهمی در اعمال و کنش‌ها و واکنش‌های او دارد شهوت است، شهوت به مجموع کنش‌های غریزی او به منظور حفظ و صیانت مادی او است که از جمله آن‌ها میل به خوراک، پوشاک و میل به رابطه جنسی است. انسان در جهان‌بینی‌ای که اسلام ترسیم می‌نماید موجودی است مادی و روحی، شهوت او معطوف به مادیت او بوده و فطرت او بیشتر معطوف به ساحت روحی وی است، در این میان عقلانیت نیرویی است که می‌تواند در خدمت هر دو قرار گیرد.

۴. چهارمین ویژگی اساسی انسان این است که او همواره بین خیر و شر یا ضلالت و هدایت در حال رفت و آمد است و اگر کنش‌ها و واکنش‌های انسان را به صورت یک طیف در نظر بگیریم در دو طرف طیف، خیر و شر قرار می‌گیرند که انسان همواره بین این پیوستار در حرکت و نوسان است. (جایگاه عقل سلیم در پارادایم اسلامی علوم انسانی، ص ۴۷)

مؤلفه‌های سبک زندگی

رفتار انسان همواره معطوف به چیزی یا کسی است یعنی رفتار معنادار وی مستلزم ارتباط با چیزی است یا کسی. ارتباطات انسان در چهار محور است: انسان با خودش، انسان با انسان یا انسان‌های دیگر، انسان با طبیعت، و انسان با خدا. در دیدگاه سکولار و تبعاً در سبک‌های زندگی مادی محور بعد چهارم ارتباط یا حذف می‌شود یا آنکه در تعلیق قرار می‌گیرد و یا بسیار محدود می‌گردد.

بنابراین اگر به انسان و روابط او و زندگی اش تأمل ورزیم، همین چهار نوع رابطه کل زندگی او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا انسان در زندگی خودش به چیزی مشغول است یا در حال فکر کردن یا به انجام امری عملی سرگرم است. زمانی که می‌اندیشد یا به خود یا به اعمال خود می‌اندیشد یا پیرامون طبیعت و آنچه در آن است و بر همین قیاس پیرامون خدا و انسان‌های دیگر. در حال عمل نیز باینکه برای خود عمل می‌کند همواره عملش معطوف و در ارتباط با امر دیگری است، حال آنکه آن دیگری یا خودش است یا انسان و انسان‌های دیگر یا وجود باری تعالی و یا طبیعت و موجودات در آن؛ بنابراین سبک زندگی با تمام انواعش را می‌توان در ارتباط با آن چهار نوع رابطه ترسیم نمود. سبک زندگی قرآنی هم از این قاعده مستثنی نیست و یکی از وجوه تمایز اساسی سبک زندگی قرآنی با دیگر انواع سبک زندگی این است که کمیت و کیفیت و نیز فرایند این نوع رابطه را ما از قرآن اخذ می‌کنیم.

رابطه انسان با خدا

رابطه انسان با خدا که سبک زندگی قرآنی را برای زیست خود برگزیده است مبتنی بر این آیه قرآن که می‌فرماید: ما انسان را تنها برای این آفریدیم که خداوند را عبادت کند؛ (ذاریات: ۶۵) یعنی رابطه عبودیت بر تمام زندگی پرتوافشانی می‌کند و سبک زندگی او را بسیار متفاوت می‌سازد، اگر هر انسانی که این رابطه را نادیده بینگارد تمام روابط دیگرش هم دگرگون می‌شود و زندگی در مادیت خلاصه می‌گردد. همین تأثیرگذاری است خداوند می‌فرماید: "و کسی که مرا فراموش کند و از یاد خداوند دوری کند او را به معیشت ضنک مبتلا می‌کنیم." علامه در تفسیر المیزان می‌نویسد: کسی که خدا را فراموش کند و با او قطع ارتباط نماید، دیگر چیزی غیر از مادیت نمی‌ماند که وی به آن دل بندد و آن را مطلوب یگانه خود سازد. در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر در آن کند و فقط به اصلاح زندگی خویش بپردازد و روزه‌روز آن را توسعه بیشتری داده به تمتع از آن سرگرم شود و این معیشت او را آرام نمی‌کند و چه کم باشد یا چه زیاد برای هر چه از آن به دست آورد به آن حد قانع نگشته و به آن راضی نمی‌شود و دائماً چشم‌به‌راه اضافه‌تر از آن می‌دوزد بدون این که این حرص و تشنگی اش به جایی منتهی شود.

پس چنین کسی دائماً در فقر و تنگ‌دستی به‌سر می‌برد و همیشه دلش علاقه‌مند به چیزی است که ندارد، صرف‌نظر از غم و اندوه و اضطراب و ترسی که از نزول آفات و روی آوردن ناملازمات و فرارسیدن مرگ و بیماری دارد. (طباطبایی، محمدحسین، ج ۱۴، ۱۳۸۹ ص ۳۱۴-۳۱۵)

پس سبک زندگی انسان مؤمن که ارتباط خود را بر اساس عبودیت پی‌ریزی می‌کند کل سبک زندگی وی را تحت تأثیر دارد. هر عملی از انسان می‌تواند در همین رابطه انسان با خدا؛ یعنی عبودیت بگنجد به شرط آنکه اولاً، خداوند در حیث التفاتی و یا قصد انسان وجود داشته باشد و دوماً، اینکه خود عمل هم شرعاً در زمره اموری باشد که شریعت لااقل از آن باز نداشته باشد. عاشق هر عمل غیرمذموم و درواقع هر مباحی را می‌تواند با کسب عنایت معشوق و محبوب یعنی آفریدگار جهان بجای آورد که در آن صورت عبادت است.

نکته درخور تأمل این است که هر رابطه‌ای مبتنی بر دو عنصر ذهنی و عینی یا به دیگر تعبیر اندیشه و عمل است. عنصر ذهنی خود بر این مطلب استوار است که انسان وقتی در مسیر عبودیت گام برمی‌دارد عبودیتش باید توأم با تدبر، تأمل و در نتیجه معرفت باشد. بر همین اساس است که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: آگاه باشید عبادتی که در آن تفکر نباشد سودی ندارد. (الکلبینی، محمد بن یعقوب الرازی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۶). کل دین اسلام را در اساس همین عبودیت تشکیل می‌دهد حتی اسم اسلام هم به‌نوعی به همین سرسپردگی، تسلیم و عبودیت را می‌رساند و احکام عبادی به‌خصوص، بیانگر همین رابطه نوع اول است.

رابطه انسان با خود

رابطه دیگری که تعیین‌کننده سبک زندگی فرد است رابطه فرد با خودش است. اینکه با خود چگونه هستیم، در تنهایی، در جمع، در خصوص بدنمان و روحمان. قرآن کریم و البته سنت، آموزه‌های بسیاری دارند که مشی و روش انسان را در خصوص فرد نسبت به خودش تعیین می‌کند که مجالی موسع می‌طلبد اما می‌توان به موارد متعددی گذرا نظر انداخت؛ از جمله مواردی که به انسان نسبت به خودش توصیه شده است می‌توان به تفکر و عبادت اشاره نمود. قرآن به روشنی به وجود رابطه بین عبادت و تفکر می‌پردازد. (آل عمران: ۹۱) تفکر فقط منحصر در عبادت نشده است بلکه اسلام در انجام به هر کاری به تأمل، دوراندیشی و فکر کردن دعوت کرده است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: استواری زندگی به برنامه‌ریزی نیکو و سنجه آن دوراندیشی نیکو است. (آمدی، عبدالرحمن محمد بن تمیمی، ۱۳۶۵ ص ۳۵۴) این موارد مربوط به ساحت اندیشه و ذهن آدمی بود. اما آیات و روایات پیرامون بدن آدمی هم آموزه‌های فراوانی دارد مانند: حفظ بدن توسط بهداشت زیستی، لباس و مسکن،

امکانات زندگی تا پاسداشت بدن توسط زینت حلال و آراستگی آن، تفریحات سالم و استراحت مناسب.

بعد دیگری از زندگی ذهنی و ارتباط با خود را می‌توان در آموزه‌های اخلاقی که دین برای تنظیم ارتباط انسان با خودش توصیه می‌کند و در نتیجه به بهداشت روانی و اخلاقی زیستن فرد منجر می‌شود مشاهده کرد. امیرالمؤمنین (ع) در خصوص بهداشت روانی و زندگی ذهنی فرد می‌گوید: خودپسندی یکی از حسودان فرد است و تباهی آن را به دنبال دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹-۱۳۵) یکی دیگر از موارد اهتمام قرآن و سنت در ارتباط با خود توجه به دانش‌اندوزی است، رسول خدا (ص) فرموده است: یا عالم باش یا در حال آموختن دانش و وقت خود را به بیهودگی و خوش گذرانی صرف نکن. (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ج ۱، ۱۴۰۴ ق. ص ۱۹۴)

این سخن پیامبر با این فرموده مولای متقیان تکمیل می‌گردد: دانش افزون‌تر از آن است که گردآوری شود پس از هر دانش بهترینش را فراگیرد. (آمدی، عبدالرحمن محمد بن تمیمی، ۱۳۶۵، ص ۴۶)

از مواردی که آیات و روایات به آن عنایت ویژه نموده مسئله کار و فعالیت است، زیرا فرد بدون کار نمی‌تواند حتی ضروری‌ترین نیازمندی‌های خود را برطرف نماید. در حقیقت انسان جز محصول کار و کوشش خویش مالک چیزی نیست. (نجم: ۳۹) ولی کار نباید به گونه‌ای باشد که سلامتی جسم و جان فرد را به مخاطره اندازد، زیرا سلامتی چیزی نیست که اگر رفت به آسانی بازگردد. پیامبر (ص) به ابوذر توصیه کرد: ای ابوذر سلامتی را پیش از بیماری دریاب و از آن برای زمان بیماری بهره‌گیر. (طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، ص ۵۲۶) سؤالی که مطرح می‌شود آن است که سلامتی تن چگونه تضمین می‌شود؟ پیشگیری و رعایت بهداشت که اسلام توصیه اکیدی نموده است در واقع تمهیدی برای حفظ تن از بیماری‌ها است. پیامبر خود به بسیاری از این تمهیدات و روش‌ها اشاره کرده‌اند: کم‌خوری ریشه همه درمان‌هاست. (مستغفری، ابوالعباس، ۱۳۶۲، ص ۱۹) برخلاف سبک زندگی مصرف‌گرا و اسراف‌کار غربی که به هر چه بیشتر بهره‌بردن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها توصیه می‌کند و ما پس از آن شاهد چاقی و انواع گسترده‌ای از بیماری‌های دیگر و آرزوی لاغر شدن و زیبایی، رونق بازار انواع داروها و وسایل ورزشی و... بیش از آنچه جامعه به آن نیاز دارد هستیم. (ژان بودریار، جامعه مصرفی ۱۳۹۰)

قرآن و سنت تنها به ضروریات حفظ تن نپرداخته و یا به روش‌های درمان اشاره نکرده بلکه به نشاط، شادابی و کرامت بدن هم توسط انجام فعالیت‌های مفرح و نیز آراستگی و پیراستگی اهتمام ورزیده است. به‌عنوان مثال مسواک زدن از اهم امور مربوط به بهداشت و آراستگی است.

رابطه انسان با دیگر انسان‌ها

انسان موجودی اجتماعی است و در اجتماعی بودن انسان میان اندیشمندان اختلاف وجود ندارد. تنها محل نزاع این است که اجتماعی بودن او چه کیفیتی دارد که خارج از محل بحث ما است. همین اجتماعی بودن مستلزم این امر است که انسان در تعامل و ارتباط با دیگر انسان‌ها نیازمند برنامه است.

قرآن و عترت در قالب گزاره‌های اخلاقی و فقهی برنامه منسجم و درعین حال موسع را فراروی فرد مؤمن قرار می‌دهد تا در زندگی از آن بهره‌گیرد. این برنامه پیکره منسجمی را تشکیل می‌دهد. فرد در قبال هر فرد یا گروهی از انسان‌ها نقش‌هایی متمایز با نقش پیشین یا پسینش به عهده دارد؛ نقش‌هایی مانند مؤمن در میان مؤمنان، شوهر یا همسر برای همسر، پدر یا مادر برای فرزندان، فرزندان برای پدر و مادر، همسایه برای همسایه و بسیاری از نقش‌های دیگر. اسلام متناسب با این تعاملات و نقش‌ها گزاره‌های اخلاقی و فقهی که دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است بیان کرده که تنها به تعداد معدودی اشاره می‌کنیم.

یکی از موارد انجام انتظارات مربوط به نقشی است که فرد در مقابل خانواده و خویشاوندان باید ایفا کند. طبق برخی آیات قطع ارتباط با خویشاوند نوعی پیمان‌شکنی با خداوند به شمار می‌رود. (بقره: ۲۷، و رعد: ۲۵) ارتباط با خویشاوندان به قدری مهم است که در کتب فقهی و اخلاقی ابوابی به عنوان صله‌رحم به این مسئله اختصاص یافته است. در مواردی نیز صله‌رحم و کمیت و کیفیت آن‌هم تشریح شده است. نقشی که فرد در قبال هم‌دینان خود بازی می‌کند آیات ذیل می‌تواند مؤید باشد: "پس آیا کسانی که مؤمن اند مثل کسانی هستند که فاسق و سرکش‌اند؟ نه اینان برابر نیستند" بلکه "جز این نیست که مؤمنان با یکدیگر برابرند" و از آن بالاتر اینکه "مردان و زنان باایمان نسبت به یکدیگر ولایت متقابل دارند."

گفتنی است ما فقط با مسلمانان ارتباط نداریم بلکه با غیرمسلمانان از ادیان مختلف چه در جوامع اسلامی و چه غیر اسلامی ارتباط داریم و از آن‌گریز و گزیری نیست. دستورات دینی در این مسئله هم بر محور عدالت و احسان بیان شده است البته تا هنگامی که به مسلمانان آزاری نمی‌رسانند و با نظام اسلامی نمی‌جنگند از آن جهت که انسان‌اند از همزیستی مسالمت‌آمیز برخوردارند و این همان رعایت اصل حقوق بشر و انسان دوستی است. (جوادی آملی، ج ۵، ۱۳۷۸، ص ۴۶۰)

غیرمسلمانان به گروه‌های مختلفی قابل تقسیم‌اند همچون: معاندین، کسانی که سرستیز و دشمنی ندارند و نیز دسته آخر، مستضعفین. مستضعفین کسانی هستند که به دین حق دسترسی ندارند یا آنکه دسترسی دارند اما به دلیل

وجود شبهات زیاد و موانع تبلیغاتی قدرت تمیز و پردازش حق از باطل را ندارند. خداوند در مورد آنان می‌فرماید: "گروهی از مردان، زنان و کودکانند که چاره‌ای بر ایشان نیست و راه نجات از کفر و گمراهی نمی‌یابند" (نساء: ۹۸) و "امید می‌رود مورد عفو و بخشش خداوند قرار گیرند." (نساء: ۹۹) پس عملکرد مسلمان در خصوص او باید همراه با عفو و گذشت باشد. برخورد با معاندین و پیکارجویان غیرمسلمان اگرچه پاسخی قاطع و توأم با شدت است اما در اینجا نیز نباید اصل عدالت قربانی گردد و مبادا دشمنی با گروهی یا قومی شمارا وادارد که به عدالت و انصاف رفتار نکنید؛ به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.

ارتباط با دیگران در زمانه حاضر گسترده‌تر شده است. ارتباط شخص با نظام‌ها، نهادها و ساختارهای مختلف؛ مانند نظام خانواده، نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. فرد مؤمن چگونه باید با این نهادها ارتباط داشته باشد که خود بحثی پیچیده و دشواری است، زیرا علاوه بر آنکه قرآن و سنت گزاره‌های فراوانی دارد که گوناگونی این گزاره‌ها هم با توجه به نوع نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متغیر است. در اسلام اصل وجود نظام سیاسی ضروری بقای یک جامعه است و نظام سیاسی به رشته تسبیح برای دانه‌های آن قیاس شده است. اما مسئله این است که چگونه فرد مؤمن با نظام سیاسی برخورد نماید. در این خصوص دیدگاه اسلام مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و عدالت‌ورزی دو سویه، هم از طرف حاکم و کارگذاران و هم از طرف مردم است. بر همین قیاس حضور انسان در نظام اجتماعی و نیز اقتصادی بر اساس اصل عبودیت، عدالت و مسئولیت‌پذیری تنظیم شده است.

ارتباط انسان با طبیعت

وقتی در قرن هفدهم علوم مدرن شکوفا شدند، علوم از هدف متعالی خود نیز تهی گردیدند و در خدمت تسلط هر چه بهره‌گیری از طبیعت قرار گرفت؛ امروزه زیان‌های بسیاری به طبیعت رسیده است. میزان جنگل‌ها با سرعتی زیاد رو به کاستی گرفته، بیابان‌زدایی، کمبود آب، وجود آلاینده‌های خطرناک، سوراخ شدن لایه اوزن تنها بخشی از فجایعی است که طبیعت هر روز آن را تجربه می‌کند. اما فرهنگ مصرفی و سبک زندگی مصرفی با اشتباهی سیری ناپذیر هر چه بیشتر می‌بلعد گرسنه‌تر می‌شود. در مقابل قرآن و سنت، طبیعت را مخلوق خدا دانسته و دستور آبادانی و بهره‌جستن از آن به مقدار لازم دستور می‌دهد و در خصوص هر بخشی طبیعت دستور و توصیه‌ای نیازمند است که تئوریزه و عملیاتی گردد. در اینجا فقط به مواردی از آیات و روایات در خصوص طبیعت اشاره می‌کنیم.

در اسلام حیوانات حقوقی دارند، امام علی (ع) خطاب به دخترشان ام‌کلثوم فرمودند: دخترم موجودی را در بند کرده‌ای که زبان ندارد تا هرگاه گرسنه و تشنه شود نیاز خویش را بیان کند، پس خوراک و آب آن را تأمین کن یا

آن را رها کن تا از گیاهان صحرا بخورد. (طبرسی، نوری، میرزا حسین، ج ۸، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۳۰۶) نیز توصیه‌های اکیدی پیرامون حفظ محیط زیست شده است؛ زیرا سالم نگاه داشتن محیط زیست؛ یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا، دشت، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه های زیست محیطی که با حیات فرد در جامعه پیوند دارد. (جوادی آملی، بی تا، ص ۳۸)

نتیجه گیری

وضعیت امروز مسلمانان ایجاب می کند که با توجه به قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت (ع) که دنباله و مفسر قرآن است، سبک زندگی قرآنی را به کار گیرند، زیرا سبک زندگی قرآنی تنها سبک زندگی آگاهانه‌ای است که بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن و سنت پی ریزی می شود. این سبک زندگی از طرفی با تأمل در معنای زندگی‌ای (عبودیت) که قرآن و سنت معتبر تعیین نموده به دست می آید و از طرفی هم سبک زندگی را همین آموزه‌های قرآنی و سنت معتبر به دست می دهد.

از سوی دیگر سبک زندگی قرآنی می تواند بر کیفیت زندگی انسان مؤمن و جامعه اسلامی اثرگذار باشد. سبک زندگی قرآنی اما خود مبانی ای دارد و مبتنی بر شناخت فرد مؤمن از نظام هستی تعریف واقعیت، تعریف انسان و جایگاهش و ویژگی‌هایش است که اینها هم از قرآن و سنت اخذ می گردد.

سبک زندگی قرآنی مؤلفه‌هایی دارد که می توان تمام آن مؤلفه‌ها را در وجوه چهارگانه ارتباط فرد با خود، خدا، دیگر انسان‌ها و طبیعت تقسیم بندی کرد. در پایان اینکه سبک زندگی حوزه جدیدی است اما به قدمت تمدن بشری سابقه دارد و سبک زندگی قرآنی در بین انواع متعددی از سبک های زندگی اگرچه به دلیل جامعیت، فراگیری، آگاهانه بودن، در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، روانی و فردی از توان بالایی برخوردار است اما نیازمند کار بسیاری است تا بتواند توان حداکثری خود را به رقبایش نشان دهد و به یگانه الگوی یا حداقل الگوی برتر و غالب مبدل گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالرحمن محمدبن تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵.
۴. ابن حنبل، احمدبن محمد، مسندالامام احمدبن حنبل، ج ۵، بیروت، دارصادر، بی تا.
۵. اکبری، رضا، جایگاه عقل سلیم در پارادایم اسلامی علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی (جامعه المصطفی العالمیه)، دی ماه ۱۳۹۲.
۶. بستان (نجفی)، حسین، گامی به سوی علم دینی (۲): روش بهره گیری از متون دینی در علوم اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۷. بودریار، ژان، جامعه مصرفی: اسطوره‌ها و ساختارها، ترجمه: پیروز ایزدی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۰.
۸. جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم، نشر اسراء، بی تا.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۵، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱.
۱۲. رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۹.
۱۵. طبرسی، نوری، میرزا حسین و محدث، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.
- ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قمف اندیشه هادی، بی تا.
۱۷. الکلینی، محمد بن یعقوب الرازی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۸. گادفری اسمیت، پیترو، درآمدی بر فلسفه علم: پژوهشی در باب یک صد سال مناقشه بر سر چیستی علم، ترجمه نواب مقربی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲، چاپ اول.

۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار لائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. مستغفری، ابوالعباس، طب النبی، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۲۲. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، صدرا، بی تا.